

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت آية الله العظمى صانعي (مد ظله العالی):  
حج، طنین رسای لیبک بندگی خداست که  
فلسفه عملی آن زیباترین و عالی ترین مظهر  
اعلام «کرامت انسانی» به دنیای بشریت است.



مؤسسة فرهنگی - هنری فقه الثقلین

پاسخ به مسائل شرعی

دفتر حضرت آية الله العظمى صانعي مدظله العالی  
دفتر قم - تلفن: ۷۷۴۴۷۶۷ - ۷۷۴۴۰۱۰ - ۷۷۴۴۰۰۹  
۷۸۳۱۶۶۲ - ۷۸۳۱۶۶۱ - ۷۸۳۱۶۶۰  
نمابر: ۷۷۳۵۰۸۰ - ۰۲۵۱

نشانی: پل حجتیه، خیابان شهید محمد منتظری، کوچه ۸، پلاک ۴

دفتر تهران - تلفن: ۴ الی ۶۶۵۶۴۰۰۱  
نشانی: خیابان کارگر جنوبی، بین آذربایجان و جمهوری، کوچه کامیاب، پلاک ۱۷

دفتر مشهد - تلفن: ۲۲۵۱۱۵۲ - ۲۲۲۲۲۷۷ - ۲۲۱۰۰۰۲  
نمابر: ۲۲۲۲۵۷۷ - ۲۲۱۱

دفتر اصفهان - تلفن: ۴۴۸۷۶۶۲ - ۴۴۸۷۶۶۱ - ۴۴۸۷۶۶۰  
نمابر: ۴۴۶۳۳۹۱ - ۳۱۱

دفتر شیراز - تلفن: ۲۲۴۳۳۳۴ - ۲۲۴۳۴۹۸ - ۲۲۲۲۲۹۴  
نمابر: ۲۲۲۶۷۰۰ - ۰۷۱۱

دفتر اراک - تلفن: ۲۲۷۲۳۰۰ - ۲۲۷۲۲۰۰  
نمابر: ۲۲۵۹۷۷۷ - ۰۸۶۱

پاسخگویی به مسائل حج

تلفن: ۲ - ۷۸۳۱۶۶۰  
همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۰۰۰۷

اینترنت: [www.saanei.org](http://www.saanei.org)

Istifta @ saanei.org  
Saanei @ saanei.org  
۳۰۰۰۷۹۶۰

پاسخ به استفتائات  
تماس با دفتر معظم له  
شماره پیام کوتاه:

یکصد و ده مسئله  
از مسائل حج

مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر

حضرت آیت الله العظمی

حاج شیخ یوسف صانعی (دام ظلّه العالی)

ذی القعدة ۱۴۳۰ هـ



انتشارات فقه الثقلین

## یکصد و ده مسئله از مسائل حج

مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر  
حضرت آیه الله العظمی صانعی (دام ظلّه العالی)

ناشر: انتشارات فقه الثقلین

تدوین: مؤسسه فرهنگی - هنری فقه الثقلین

لیتوگرافی: نویس • چاپ: کوثر

نوبت چاپ: دوم / پاییز ۱۳۸۸ • شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

بها: ۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

شابک: ۹-۹-۹۰۰۹۲-۶۰۰-۹۷۸

نشانی: قم - خیابان شهید محمد منتظری، کوچه شماره ۸

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۹۶۷ - تلفن: ۷۸۳۲۸۰۲ - فاکس: ۷۸۳۲۸۰۳

همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۸۸۰۸

[www.feqh.org](http://www.feqh.org)

**حضرت آیه الله العظمی صانعی (مد ظله العالی):**

حج، پایگاه و جایگاه ابراهیم بت شکن، اسماعیل تسلیم، هاجر فداکار، محمد، علی و فاطمه زهرا (صلوات الله علیهم) است و حاجی برگرد خانه ای می گردد و به کسی لبیک می گوید که می خواهد لباس منیت و خود خواهی را از تن بیرون کند و چون اسماعیل، با معرفت بر سعی صفا و مروه روی آورد .

**حضرت آیه الله العظمی صانعی (مد ظله العالی):**

حج، میراث بزرگ ابراهیم و محمد صلی الله علیه و آله است که به همه خدا جویان می فهماند که اگر می خواهی به مفهوم واقعی کلمه «آدم» باشی به سوی ما بیا و از خودت فاصله بگیر و خدایی شو.

**حضرت آیه الله العظمی صانعی (مد ظله العالی):**

وقتی در مدینه راه می‌روی، هنوز بوی پیامبر و علی و فاطمه (علیهم و علی آلهم السلام) را استشمام می‌کنی. غربت بقیع و مظلومیت خاندان رسول گرامی اسلام دیدگان را پر از اشک می‌سازد.

**حضرت آیه الله العظمی صانعی (مد ظله العالی):**

مدینه و بقیع تمام هویت ماست و ما با آن زندگی می‌کنیم و دوست داریم بر آن همه غربت و مظلومیت و ظلم و ستم بنی امیه و بنی عباس و همه ستمگران فریاد بر آوریم، اما نمی‌توانیم، بغضمان می‌ترکد و آهسته سرشک اشک از گونه‌هایمان جاری می‌گردد و به نیایش می‌پردازیم.

﴿مسئله ۱﴾ کسانی که با فیش میّت و به نیابت از وی به حج می‌روند اگر خود نیز تمام شرایط استطاعت بجز بازبودن راه را دارا باشند، (که آن هم با فیش حج میّت حاصل شده)، در این صورت استطاعت برایش حاصل نشده، چون در استطاعت غیر از مال و سلامتی بدن و بودن وقت، باز بودن راه از طریق مشروع و حلال نیز شرط است، آری، اگر از ناحیه صاحبان فیش و کسانی که فیش را به او داده‌اند اجازه به جا آوردن حج و اجیر گرفتن از مدینه یا جدّه برای متوفی به او داده باشند، در این صورت نه تنها چنین کاری جایز است، بلکه باید نایب بگیرد و اگر خودش برای میّت حج به جا آورد، حجّش به طور کلی باطل است یعنی نه برای میّت صحیح است و نه برای خودش.

﴿مسئله ۲﴾ اگر کسی که خیال می‌کرده مستطیع نیست، به نیت عمره و حج استجابی مُحرم شود و اعمال عمره تمتع را

انجام دهد بعد در مکه معلوم شود مستطیع بوده است، کفایت عمره تمتع او خالی از وجه نیست و باید پس از اعمال عمره تمتع به نیت وجوب برای اعمال حج تمتع مُحرم گردد، کما اینکه اگر بعد از فراغت از اعمال حج تمتع هم متوجه شود که مستطیع بوده، حَجَّش صحیح و مجزی از حجة الاسلام می باشد.

﴿مسئله ۳﴾ کسی که هزینه سفر حج را ندارد اگر بتواند با قرض نمودن حج بجا آورد لازم نیست قرض نماید، ولی اگر قرض کند در صورتی که قرض نمودن برای او هیچ گونه منت و مؤنه‌ای نداشته باشد و بتواند به سهولت قرض را اداء کند مستطیع می شود و اگر با آن حج به جا آورد از حجة الاسلام کفایت می کند.

﴿مسئله ۴﴾ در سفر حج واجب، برای زن اجازه شوهر شرط نیست و زن باید حج واجب خود را به جا آورد، آری، اگر رفتنش به حج، باعث حرج و مشقت در زندگی می شود، حج برای او واجب نمی باشد، و در حج مستحبی اگر منافات با حق استمتاع شوهر باشد باید با اجازه شوهر باشد.

﴿مسئله ۵﴾ نایب در طواف نساء باید مانند بقیه اعمال، به قصد منوب عنه آن را بیاورد و اگر طواف نساء را نیاورد یا صحیحاً انجام ندهد، زن بر او حلال نمی شود.



﴿مسئله ۶﴾ برای کسانی که در حال اجیر شدن از معذورین نبوده‌اند و بعد از قبول نیابت و عقد اجاره، در موقع اعمال یا قبل از مُحرم شدن در جایی که فسخ عقد اجاره موجب ضرر معتدبه به مستأجر باشد (اگر او بخواهد ضرر را جبران نماید و اجیر برگردد و عمل را تمام ننماید)، و یا موجب ضرر معتدبه به اجیر باشد (اگر او بخواهد جبران کند و عمل را تمام نکند و نیاورد)، جزو معذورین شده‌اند صحّت نیابت و کفایت از حج منوب عنه به حکم لاضرر و به حکم «کَلَّمَا غَلَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ أَوْلَى بِالْعِذْرِ» خالی از وجه نمی‌باشد، اما اگر قبل از آن باشد اجاره خود به خود به خاطر عدم قدرت اجیر بر انجام وظیفه منوب عنه که معذور نبوده باطل است و نیابت از بین رفته می‌باشد.

﴿مسئله ۷﴾ نایب شدن معذور در حج واجب، صحیح نیست ولی نیابت تبرّعی در حج مستحبّی مانعی ندارد، چرا که در آن عدم عذر شرط نیست. ولی اگر باب استیجار و نیابت باشد، باید نایب قبل از عقد اجاره، عذر خود را تذکر دهد چون متعارف در اجاره حج، حج کامل و غیر معذور است.

﴿مسئله ۸﴾ نیابت افراد معلول از ناحیه دست یا پا جایز است و مانعی ندارد، آری اگر نداشتن پا سبب گردد که نمازش را نشسته بخواند در نماز طواف احتیاط کند و نایب بگیرد تا او

هم نماز طواف را بخواند.

﴿مسئله ۹﴾ شخصی که فقط از راه رفتن معذور است، می‌تواند نایب شود و با چرخ طواف و سعی را انجام دهد و چنین افرادی از معذورین نمی‌باشند، چون طواف و سعی با چرخ، با قدرت بر راه رفتن هم صحیح است.

﴿مسئله ۱۰﴾ در حج واجب، نیابت از طرف شخص زنده جایز نیست، مگر اینکه منوب‌عنه از به جا آوردن اعمال حج عاجز باشد (در صورتی که حج بر منوب‌عنه مستقر شده باشد)، اما نیابت در حج مستحبی از شخصی که در حال حیات است جایز است و ثواب بسیاری دارد.

﴿مسئله ۱۱﴾ کسانی که استطاعت برای عمره مفرده داشته باشند و برای حج استطاعت نداشته باشند، عمره مفرده بر آنها واجب است، بنابراین، اشخاصی که به عنوان نیابت به حج می‌روند اگر سال اول آنها باشد، باید بعد از تمام شدن اعمال حج برای خودشان عمره مفرده به جا آورند، چون آنها در آنجا استطاعت عمره مفرده را دارند.

﴿مسئله ۱۲﴾ کودک ممیز که خود محرم شده است، حکم بزرگسالان را دارد و باید مانند آنها شرایط طواف را رعایت نماید، چون خود طواف می‌کند و اعمال را انجام می‌دهد نه

آنکه طوافش می دهند و سعیش می برند بنا بر این در ابتدای طواف و سعی و بین سعی و طواف باید بیدار باشد، اما اگر کودک غیر ممیز باشد چنانچه در بین طواف یا سعی بخوابد، مانعی ندارد چون او را طواف و سعی می دهند.

﴿مسئله ۱۳﴾ احرام بستن از داخل مسجد شجره واجب نیست و از خارج مسجد، تا حدودی که جزء ذوالحلیفه محسوب می شود، احرام جایز و صحیح است. بنابراین، احرام از بیرون مسجد و محل توقفهای ماشین و محل دست فروشها و خیابانهای مجاور و نزدیک مسجد که جزء ذوالحلیفه است، قطعاً کافی است.

﴿مسئله ۱۴﴾ ادنی الحّل میقات عمره مفرده ای است که بعد از حجّ افراد یا حجّ قران به جا می آورند، و همه کسانی که در مکه تصمیم می گیرند عمره مفرده به جا آورند میقات آنان ادنی الحّل است و همچنین میقات کسی است که در حال عبور و رفتن به مکه از مواقیت خمسّه معروفه<sup>(۱)</sup> یا محاذی آنها عبور ننماید، همانند کسانی که از جده می خواهند به مکه بروند و محاذات برایشان محرز نشده باشد (که برای غالب افراد اگر نگوییم

۱. ۱ - ذوالحلیفه ۲ - جحفه ۳ - یلملم ۴ - قرن المنازل ۵ - عقیق.

برای همه، محرز نمی‌باشد). میقات اینها ادنی‌الحلّ می‌باشد.

﴿مسئله ۱۵﴾ اگر زن در میقات حائض باشد و یقین کند که نمی‌تواند عمره تمتّع را در وقت خود انجام دهد، باید نیت حج افراد کند و برای حج افراد محرم شود و حج افراد به جا آورد و بعد از آن عمره مفرده انجام دهد و این حج از حجة الاسلام او کفایت می‌کند، ولی اگر در زمانی کشف خلاف شد، که امکان به جا آوردن اعمال عمره تمتّع را داشت، واجب است به عمره تمتّع عدول کند و بعد از آن حج تمتّع که حجة الاسلام او می‌باشد، به جا آورد.

﴿مسئله ۱۶﴾ کسی که در غیر ماههای حج به مکه رفته و عمره مفرده به جا آورده و تا زمان حج در مکه مانده است، برای احرام عمره تمتّع، بنا بر احتیاط باید به میقاتی که از آن عبور کرده برود و از آنجا محرم شود، هر چند اکتفا به ادنی‌الحلّ برای این گونه افراد خالی از قوت نیست، چون مواقیت معروفه میقات کسی است که از آنها یا محاذی آن عبور می‌کند نه آنکه موضوعیت داشته و شرط صحّت باشد.

﴿مسئله ۱۷﴾ شاغلین در جدّه یا کسانیکه از راه جدّه می‌خواهند برای عمره تمتّع یا عمره مفرده به مکه بروند می‌توانند از ادنی‌الحلّ مثل مسجد تنعیم یا حدیبیه محرم شوند

چون مواقیت معروفه، میقات کسانی است که از آنها عبور می‌نمایند و همین‌طور محاذات میقات نیز میقات برای عبور کننده از آن می‌باشد و چون جدّه محاذاتش هم معلوم نمی‌باشد، فلذا احرام از ادنی‌الحلّ برای آنها کفایت می‌کند و لازم نیست تغییر مسیر داده و به جحفه بروند و محرم شوند.

﴿مسئله ۱۸﴾ کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکه می‌شود اگر احرامش در ماههای حج<sup>(۱)</sup> بوده، جایز است که آن را عمره تمتع قرار دهد و دنبال آن حج تمتع به جا آورد.

﴿مسئله ۱۹﴾ پس از انجام عمره تمتع مطلوب است که انسان برای اعمال حج تمتع در مکه بماند، پس اگر ضرورت و حاجتی نباشد بیرون نرفتن اولی و احوط است. آری، در زمانی که می‌ترسد اگر بیرون برود به حج تمتع و وقوف اختیاری عرفه نمی‌رسد، نباید بیرون برود.

﴿مسئله ۲۰﴾ بعد از اتمام حج تمتع، اگر شخص از مکه خارج شود و قبل از آنکه یک ماه از خروجش بگذرد بخواهد مجدداً مراجعت کند، لازم نیست محرم شود، بنابراین، می‌تواند بدون احرام داخل حرم شود. کما اینکه می‌تواند به قصد عمره

۱. ماههای حج عبارت‌اند از: شوال، ذی قعدة، ذی حجة.

مفرد هم محرم شود، و در صورت گذشت یک ماه از خروجش از مکه در صورت ورود به حرم و مکه لازم است که با احرام عمره مفرده وارد حرم شود.

﴿مسئله ۲۱﴾ آنچه در لباس نمازگزار شرط است در لباس های احرام نیز شرط است، بنابراین احرام در لباس حریر و لباسی که از اجزای حیوان حرام گوشت است، کفایت نمی کند؛ و بنا بر احتیاط مستحب، طواف کننده از نجاساتی که در نماز عفو شده (مثل خون کمتر از در هم و جامه ای که با آن نتوان نماز خواند مثل عرقچین و جوراب) اجتناب کند.

﴿مسئله ۲۲﴾ گره زدن لباس احرام مانعی ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که لباسی را که لنگ قرار داده به گردن گره نزنند، و قرار دادن سنگ و یا چیز دیگر در لباس احرام و بستن آن با کش یا وسیله دیگر به احرام ضرر نمی رساند، و احوط ترک وصل کردن لباس احرام با سنجاق و سوزن است، لیکن اقوی جواز وصل همه آنها است چون دوخته شده نمی باشد، ولی نباید به نحوی باشد که شبیه لباس دوخته شده محسوب شود.

﴿مسئله ۲۳﴾ مستحب است پیش از احرام، در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است، و غسل احرام بلکه تمام اغسال مستحبه و واجبه، از وضو کفایت

می‌کند. و تقدیم این غسل، بخصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب پیدا نشود، جایز است، و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب پیدا شد، مستحب است غسل را اعاده نماید. کما اینکه بدون عذر هم می‌تواند قبل از رسیدن به میقات در هتل غسل نماید، لیکن باید تا میقات و تلبیه گفتن و محرم شدن، غسلش را حفظ نماید.

﴿مسئله ۲۴﴾ در نیت عمره تمتع نه خطوط به قلب لازم است و نه به زبان آوردن، بلکه مانند سایر عبادات داشتن همان انگیزه الهی و انجام وظیفه دینی، کافی است، و ناگفته نماند به زبان آوردن نیت عمره تمتع مانند به زبان آوردن نیت حج تمتع و حج افراد و قرآن مستحب می‌باشد، بلکه گفته شده به زبان آوردن نیت در تک تک اعمال آنها هم مستحب است.

﴿مسئله ۲۵﴾ صورت تلبیه بنا بر اصح آن است که بگوید: «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»، و اگر به این مقدار اکتفا کند، محرم شده و احرامش صحیح است و احتیاط مستحب آن است که بعد از آن بگوید: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

﴿مسئله ۲۶﴾ کشتن ملخ در حال احرام، حرام است و مواظبت نمودن به طوری که زیر دست و پا کشته نشود، واجب

است، و در صورت عدم مراقبت و کشته شدن ملخ، احتیاط مستحب آن است که پنجاه گرم طعام که تقریباً یک مُشت می‌شود، صدقه بدهد. و همچنین کشتن مگس و مورچه در حال احرام حرام است مگر آنکه موجب اذیت و آزار باشند که برای جلوگیری از اذیت به قدر حاجت و ضرورت مانعی ندارد.

﴿مسئله ۲۷﴾ اگر بدن یا لباس محرم به چیزهای خوشبو اصابت کند، باید بوی خوش را از آن با شستن برطرف نماید، یا لباس احرام را عوض کند؛ همچنین محرم از صابون، شامپوهای خوشبو و معطر و خمیر دندان که دارای بوی خوش می‌باشند، باید اجتناب نماید و همچنین استعمال چیزهای خوشبو مانند مشک، زعفران و عود، بر مُحرم حرام است، به خوردن باشد یا بوئیدن. ولی خوردن نعنا و سایر سبزیهای خوشبو مانعی ندارد و اگر کسی حس بویایی ندارد و یا احساس بویی نمی‌کند استعمال طیب نیز بر او حرام است.

﴿مسئله ۲۸﴾ بر مُحرم حرام است سرمه کشیدن به سرمه سیاهی که معمولاً برای زینت استعمال می‌شود هر چند قصد زینت نکند و اگر برای معالجه چشم ناچار باشند سرمه بکشند، جایز است از سرمه‌هایی که در آنها چیزهای خوشبو به کار نرفته است استفاده نمایند و اگر بوی خوش داشته باشد گرچه زینت



هم نباشد از باب استفاده از بوی خوش بنا بر اقوی حرام است و بنا بر اقوی کفاره هم دارد.

﴿مسئله ۲۹﴾ مالیدن هر نوع کرم به بدن در حکم مالیدن روغن به بدن است که بدون ضرورت و نیاز طیبی بر محرم حرام است، اگرچه بوی خوش در آن نباشد.

﴿مسئله ۳۰﴾ تزریق آمپول در حال احرام مانعی ندارد، ولی اگر موجب آمدن خون از بدن می‌شود، حرام است؛ مگر در مورد حاجت و ضرورت. و همچنین خون گرفتن از بدن با سرنگ در حال احرام اگر ضرورت اقتضا کند مانعی ندارد و مسواک نمودن در حال احرام اگر بداند سبب بیرون آمدن خون از لثه‌ها نیز می‌گردد، حرام است.

﴿مسئله ۳۱﴾ بر محرم لازم است که از مطلق لباس دوخته هر چند کم باشد، اجتناب کند، اما کمر بند و بند ساعت و دمپایی و امثال آنها اگر دوخته باشند، اشکال ندارد، چون بر این موارد صدق لباس نمی‌کند ولی احتیاط استحبابی در ترک است.

﴿مسئله ۳۲﴾ جایز است محرم هنگام خوابیدن، از پتو یا روانداز دوخته استفاده کند، هر چند روی پاهای او را هم بپوشاند، چون صدق لباس نمی‌کند ولی سر خود را نباید بپوشاند.

﴿مسئله ۳۳﴾ کسانی که از ناحیه پا معلول هستند و دارای پای

مصنوعی می‌باشند و ناچار از پوشیدن جوراب یا پارچه می‌باشند پوشیدن آن مانعی ندارد چون پای مصنوعی حکم پای طبیعی را ندارد بنا بر این پوشیدن جوراب خاص برای جانبازان و یا افراد دیگر که پایشان قطع شده برای قسمت قطع شده مانعی ندارد.

﴿س ۳۴﴾ اینکه مرد نباید در حال احرام سرخود را پوشاند، آیا این حرمت، شامل کلاه گیس که نمی‌تواند از سرخود بردارد نیز می‌شود؟

ج - شمول ادله حرمت پوشاندن سر مرد در حال احرام، در چنین مواردی که کلاه گیس را برای پوشانیدن به سر نگذاشته و عرف هم آن را پوشش سر همانند پوشاندن با حنا و دوا نمی‌داند بلکه آن را موی سر مصنوعی می‌داند، مشکل، بلکه ممنوع است، لیکن احتیاط واجب در دادن یک گوسفند به عنوان کفاره است.

﴿مسئله ۳۵﴾ در شب، استظلال نیست، بنابراین جایز است محرم در شب با ماشین سقف‌دار به مکه یا جای دیگر برود و هوای ابری در روز حکم آفتابی بودن را دارد نه حکم شب. و بنا بر احتیاط واجب، محرم برای رفتن به رمی جمرات یا کشتارگاه یا در خود عرفات از چتر و امثال آن استفاده نکند.

﴿مسئله ۳۶﴾ بعد از آنکه مُحرم به منزل رسید - ولو در محله‌های جدید مکه که از مسجدالحرام دور هستند - بنا بر احتیاط واجب، نمی‌تواند در روز برای رفتن به مسجدالحرام در ماشینهای سقف‌دار سوار شود، یا زیر سایه برود. و اگر پیاده روی برای آنها مختصر صدمه‌ای داشته باشد که معمولاً نیز چنین است و تهیه ماشین بی‌سقف هم مشکل باشد، به حکم سهولت و نفی حَرَج، رفتن با ماشین سقف‌دار، مانعی ندارد، ولی بنا بر احتیاط واجب، یک‌گوسفند کفاره بدهد، و ناگفته نماند که این گوسفند را می‌توان بعد از برگشتن به وطن ذبح نمود.

﴿س ۳۷﴾ استفاده از ماسکهایی که جهت جلوگیری از تنفس هوای آلوده و امراض مختلف به دهان می‌زنند، و بند آن را پشت سر می‌اندازند که بخش کوچکی از سر را می‌پوشاند، برای مردان و زنان مُحرم چه حکمی دارد؟

ج - از حیث ستر رأس برای مردان، مانعی ندارد چون با انداختن بند آن، به پشت سر، صدق ستر نمی‌کند، و اما نسبت به جلوگیری از تنفس هوای آلوده در صورتی که جلوگیری از استشمام بوی بد نباشد، مانعی ندارد؛ و اما نسبت به زنان چون موجب پوشیده شدن قسمتی از صورت می‌شود، مطلقاً حرام است، ولی در مواقع

ضرورت مانعی ندارد و کفاره هم بر او نمی‌باشد.

﴿س ۳۸﴾ شخصی عمره مفرده‌ای را بدون وضو انجام داده دوباره محرم شده و در اثنای آن متوجه شده که در عمره اول طواف و نماز آن را بدون وضو انجام داده است وظیفه او در این صورت چیست؟

ج - احرام او صحیح است ابتدا طواف و نماز عمره سابق را با وضو به جا آورد، سپس اعمال عمره فعلی را انجام دهد.

﴿مسئله ۳۹﴾ طواف کردن باید به نحو متعارف باشد و در تمام اشواط، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود، یعنی نباید از حجرالاسود که شروع می‌کند به طرف رکن یمانی دور بزند، بلکه از حجرالاسود شروع کند و به طرف رکن عراقی و بعد رکن شامی و بعد رکن یمانی برود و دور بزند، و زیادترا از آن لازم نیست بلکه اگر موقع دور زدن مثلاً رو به کعبه هم باشد، اشکال ندارد.

﴿مسئله ۴۰﴾ واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده به طرف جلو باشد، بلکه جایز است به سمت راست یا چپ نگاه کند و یا صورت خود را برگرداند، بلکه به عقب نگاه کند، کما اینکه می‌تواند رو به روی کعبه شود و دور بزند،

همچنین می‌تواند طواف را رها کند و کعبه را ببوسد و برگردد از همان جا طوافش را ادامه دهد، آری، نباید عمداً پشت به کعبه طواف نماید، و اگر به واسطه مزاحمت طواف کنندگان و کثرت جمعیت روی طواف کننده به کعبه واقع شود و یا عقب عقب طواف کند یا پشتش بدون قصد و یا بدون صدق اهانت به کعبه واقع شود، طوافش صحیح است.

﴿مسئله ۴۱﴾ قطع کردن طواف مستحبی، هر چند بدون عذر باشد، جایز است، اما در طواف واجب، احتیاط واجب در عدم قطع بدون عذر می‌باشد، ولی به هر حال اگر قطع نمود و طواف را از سرگرفت معجزی است.

﴿مسئله ۴۲﴾ طواف کننده اگر مرد است و همچنین بچه‌های ممیز و غیر ممیز در طواف واجب یا مستحب باید مختون (ختنه شده) باشند و این شرط در زنها نیست، ولی اگر بچه‌ای ختنه کرده به دنیا بیاید، طواف او صحیح است.

﴿س ۴۳﴾ آیا بانوان می‌توانند برای پیشگیری از عادت ماهانه در ایام حج، از قرص استفاده کنند؟

ج - آری می‌توانند، چون قطع حیض با معالجه و دارو، حکم پاک بودن طبیعی را دارد.

﴿س ۴۴﴾ آیا برای مستحاضه کثیره جایز است که با یک

غسل هم نمازهای روزانه را به جا آورد و هم طواف و نماز آن را انجام دهد؟

ج - مستحاضه کثیره و متوسطه باید علاوه بر اغسال یومیّه، یک غسل برای طواف و یکی هم برای نماز آن انجام دهد و هر کدام از طواف و نماز مستقل هستند، یعنی برای هر یک غسل لازم است، مگر آنکه از زمان غسل کردن برای طواف تا آخر نماز، خون قطع شود.

﴿مسئله ۴۵﴾ زنها چه سیده و چه غیر سیده بعد از گذشت پنجاه سال قمری اگر خون حیض نبینند و عادت ماهانه آنها کلاً قطع شود یا خونی که می بینند شک داشته باشند که حیض است یا غیر آن یا نایسه می باشند یعنی خونی که می بینند محکوم به حیض نیست، ولی اگر خونی که می بینند یقین داشته باشند که همان خون عادت قبل از پنجاه سالگی است تا هر زمانی که یقین دارند همان خون است یا نایسه نشده اند و باید به وظیفه حائض عمل کنند.

﴿س ۴۶﴾ در طبقات فوقانی مسجدالحرام طواف کردن چه صورتی دارد؟

ج - ظاهراً طواف در طبقه فوقانی مسجدالحرام که طواف فضا و هوای متعلق به بیت باشد، همانند طواف

در طبقه پایینی و صحن مسجدالحرام مجزی و صحیح می‌باشد. چون اسامی و نامهایی همانند مسجد و بیت و مدرسه و رباط، اسامی و اعلامی برای مجموعه از ساختمان و فضا و هوای متعلق به آنها است و محکوم به احکام آنها می‌باشند. بناءً علی هذا، فضای محاذی با بیت‌الله‌الحرام و البیت العتیق همانند دیوارها و جدارها و ارکان آن، جزء بیت‌الله است و همان طور که طواف به دور آنها طواف بیت‌الله است، پس طواف فضای متعلق به بیت‌الله در بالا هم طواف بیت‌الله و مجزی است، و ادعای اینکه بیت‌الله و یا غیر آن از اسامی و اعلام همانندش مثل مسجد و مدرسه نام ساختمان و بنا است، نه اعم از آن و فضای محاذی متعلق به آنها، ظاهراً ناتمام می‌باشد که سیدنا الاستاذ الامام الخمینی «سلام الله علیه» مفصلاً از آن در اصول<sup>(۱)</sup> بحث نموده و همان معنای اعم و قدر جامع را پذیرا شده که مطابق با تحقیق می‌باشد و بنا بر این مبنا است که تمام احکام مسجدالحرام و مسجدالنبی بر آن دو مسجد

۱. تهذیب الاصول، ج ۱، ص ۵۶، (بحث صحیح و اعم، بحث امر رابع).

فعلى باهمة توسعة آنها جارى مى باشد، و ناگفته نماند که اين نظريه يعنى وضع اسامى بر قدر جامع و اعم که در اول پاسخ به آن اشاره شده به نظر فقيه بزرگوار کاشف الغطاء رحمته الله عليه تأييد مى شود که آن فقيه کم نظير اگر نگوييم بى نظير در کشف الغطاء خود در بحث مواقيت فرموده: «الاول: فى ان المواقيت بأسرها عبارة عما يتساوى الاسماء من تخوم الارض الى عنان السماء فلو احرم من بئر او سطح فيها - راكباً او ماشياً او مضطجعاً و فى جميع الاحوال - فلا باس به»<sup>(۱)</sup> و به نظر مى رسد که اگر آن فقيه بزرگوار راجع به طواف هم بحث نموده و متعرض آن شده بود، قطعاً طواف در طبقات فوقانى را نیز مجزى مى دانست.

﴿مسئله ۴۷﴾ به نظر اين جانب طواف بايد دور كعبه و در مسجدالحرام باشد و لازم نيست كه بين كعبه و مقام ابراهيم عليه السلام باشد، پس حدّ طواف مسجدالحرام است، هر چند پشت مقام باشد.

﴿س ۴۸﴾ اشخاصى كه قدرت بر طواف ندارند، آيا بايد

۱. كشف الغطاء، مواقيت الاحرام، المقام الثانى فى احكامها، ص ۵۴۹.



نایب بگیرند یا خودشان سواره طواف نمایند؟

ج - باید خودشان سواره طواف نمایند، چون طواف سواره در حال اختیار هم صحیح است، چه رسد به حال عدم اختیار.

﴿س ۴۹﴾ موالات میان اشواط طواف و سعی، چگونه به هم می خورد، آیا با خواندن دو رکعت نماز مستحبی یا فعل منافی با طواف، به هم می خورد یا نه؟

ج - خواندن مثل دو رکعت نماز مستحبی که جزء حاجات نمی باشد چه رسد به فعل منافی با طواف، مضرّ به صحت طواف است و جایز نبوده، چون بر خلاف سنت طواف می باشد و قطع نظر از آنکه شاید بتوان به دلیل تأسی عدم جواز آن را اثبات کرد، صحیحه حلبی<sup>(۱)</sup> هم بر آن دلالت روشن دارد، چون مخالفت با سنت در طواف را ابو عبدالله جعفر الصادق علیه السلام در همان صحیحه علت بطلان ولزوم اعاده آن دانسته.

﴿س ۵۰﴾ اگر کسی عمداً یا سهواً از دور پنجم یا ششم

۱. التهذیب: ۱۱۸/۵، ح ۳۸۶؛ الوسائل: ۳۷۹/۱۳، أبواب الطواف، باب ۴۱، ح ۳.

طواف را رها کند، آیا می‌تواند آن را از سر بگیرد؟

ج - بلی می‌تواند آن را از سر بگیرد و به طور کلی هر کجا و در هر شرایطی چه قبل از نصف و چه بعد از آن که بخواهد طواف ناقص یا مشکوک را از سر بگیرد، مانعی ندارد و مجزی است و صحیح می‌باشد، چون حکم به اتمام و عدم قطع در مواردی که وارد شده، حکم ترخیصی و ارفاقی می‌باشد نه حکم وجوبی.

﴿س ۵۱﴾ اگر طفل غیر ممیزی که او را طواف می‌دهند، در حال طواف، خودش را نجس کند، آیا فقط طواف طفل باطل است یا طواف پدر هم به علت حمل شیء نجس باطل است؟  
ج - نجس کردنش ظاهراً مانع از صحّت طواف طفل نیست، چون در طواف طفل به خاطر عدم تمییزش ادله شرایط معتبره در طواف از او انصراف دارد، مگر آنچه را که طواف دهنده بتواند در حقیقت ولو به نحو صورت ظاهری مثل وضو دادن انجام دهد که رعایت آنها برای طواف دهنده لازم است، و طواف پدر هم به خاطر آنکه محمول متنجس در طواف معفو عنه است نیز درست می‌باشد.

﴿مسئله ۵۲﴾ واجب است نماز طواف را فوراً و بدون تأخیر

پس از طواف بخواند و بین طواف و نمازش فاصله نیندازد و میزان، مبادرت عرفیه است و در هر صورت، با تأخیر، اعاده طواف لازم نیست.

﴿مسئله ۵۳﴾ نماز طواف واجب را باید پشت مقام ابراهیم علیه السلام به جا آورد، به نحوی که مقام در جلوی شخص قرار گیرد (نه محاذی سمت راست یا چپ آن)، و پشت مقام حدّ معینی ندارد، و میزان در پشت مقام بودن صدق عرفی است، لیکن هرچه نزدیکتر باشد بهتر و احوط است.

﴿س ۵۴﴾ نماز طواف کسانی که در طبقه فوقانی طواف خود را انجام داده‌اند چه حکمی دارد؟

ج - به طور کلی آنچه در نماز طواف واجب شرط است، در مسجدالحرام و پشت مقام بودن آن است (یعنی در جلوی مقام و یا دو طرف آن و یا در حجر نباشد)، بنابراین، نماز خواندن در طبقات فوقانی مسجدالحرام در صورتی که پشت مقام باشد، صحیح و مجزی است.

﴿مسئله ۵۵﴾ احکامی که برای نماز خواندن مرد و زن با محاذات همدیگر و یا تقدم مرد بر زن در سایر جاها وجود دارد، برای مرد و زنی که در مسجدالحرام نماز می‌خوانند،

وجود ندارد و نماز آنها حکم نماز دو مرد و یا دو زن در سایر جاها را دارد و موثقه فضیل<sup>(۱)</sup> دلیل و حجت بر این استثنا می باشد و در این استثنا به حکم اطلاق، فرقی بین نماز طواف و یا نمازهای دیگر از واجب و مستحب نمی باشد.

﴿س ۵۶﴾ در مورد کسی که نمازش را غلط می خواند و وقت تصحیح آن را ندارد، می فرماید نماز طواف را به همان کیفیت که می تواند خودش بخواند، آیا چنین کسی می تواند عمره مفردة مستحبی به جا آورد؟

ج - اشکال ندارد.

﴿مسئله ۵۷﴾ لباسهای ساتر نمازگزار باید مباح باشد و اگر شخصی با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده لباس ساتر بخرد، نماز خواندن در آن لباس باطل است، همچنین اگر به ذمه بخرد و در موقع معامله قصدش این باشد که از پولی که خمس یا زکاتش را نداده، بپردازد.

﴿مسئله ۵۸﴾ سعی باید بین صفا و مروه باشد و اگر مسیر بین صفا و مروه را چند طبقه کنند، سعی نمودن از هر طبقه جایز است، چون سعی و مشی از صفا به مروه و بالعکس (که مورد

۱. الوسائل: ۱۲۶/۵، أبواب مکان المصلی، ب ۵، ح ۱۰.

نص و فتوی است) در هر طبقه ولو بالاتر از کوهها هم باشد، بر آن صدق می‌کند و صدق در هر طبقه عرفاً تابع سعی در همان طبقه است، و لذا کسی که با هواپیما از شهری به شهر دیگر می‌رود و بر می‌گردد گفته می‌شود که از فلان شهر به شهر دیگر رفت و آمد نموده است، گرچه مسیرش میان آن دو شهر روی زمین نبوده است.

﴿س ۵۹﴾ لطفاً بفرمائید سعی در قسمت افزوده شده جدید

چه حکمی دارد؟

ج - آنچه در حج و عمره جزء واجبات بلکه جزء ارکانش محسوب شده و از شعائر الله است که در قرآن آمده ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup> سعی بین صفا و مروه یعنی سعی بین آن دو کوه و بین الجبلین می‌باشد، پس معیار و مناط مسعی، حسب ظواهر ادله و اطلاق آنها از حیث عرض آن دو کوه، شرقاً و غرباً همان وجود کوه و امتداد آن ولو از حیث ریشه کوه و سفائح آن بوده و

۱. البقرة (۲): ۱۵۸.

هست، و به نظر این جانب حسب گزارشهای واصله، از شهادت معمرین که جبلین تا مقداریکه بناست جزء مسعی شود امتداد داشته، و اخبار اهل اطلاع و خبره و کارشناسان به امتداد ریشه‌ها و رؤیت این جانب در سالهای گذشته نسبت به مروه و اینکه امتداد آن بیش از مقدار عرض مسعی جدید بوده، و از همه گذشته عنایت علماء و فقهاء حرمین بحفظ مشاعر و مناسک حج و رعایت تعبد در آنها و گواهی و شهادت برخی از آنها به اتصال کوه صفا به ابوقیس و اینکه مسعی از طرف کوه مروه از حیث عرض بیش از مقدار توسعه یافته فعلی بوده، همه و همه حجت عقلائیّه و شرعیّه بر امتداد می‌باشد و سعی در مسعی جدید سعی بین الجبلین است و چگونه چنین اموری حجت شرعی نباشد با آنکه بعض آنها چه رسد به همه آنها موجب اطمینان و علم عادی بر امتداد است. فعلی هذا سعی نمودن در مسعی جدید در تاریخ فعلی یعنی سنه ۱۴۲۸ هجری قمری که در سؤال آمده و مشغول ساختن و تهیه آن می‌باشند و گفته می‌شود عرضش بقدر مسعی فعلی یعنی حدود بیست متر است، با قیام

حجت شرعیه بر بودن آن مقدار اضافه شده بین دو کوه صفا و مروه ولو بین ریشه‌های باقی مانده از آنها که نشانه امتداد کوهها می باشد موجب اجزاء و صحت و مسقط تکلیف است، و فرقی بین سعی در آن محل و محل فعلی (که مقداری از خود جبلین در آن وجود دارد و باقی مانده) دیده نمی شود چون سعی در آن محل هم با قیام حجت ذکر شده سعی بین الصفا والمروة است و در صدق صفا و مروه وجود بلندی آن دو کوه قطعاً شرط نمی باشد و لذا مقداری از عرض صفای فعلی هم بلندی کوه در آن دیده نمی شود.

﴿مسئله ۶۰﴾ واجب است فاصله میان دو کوه را طی کند و باید توجه داشت که هم اکنون قسمتی از کوه صفا و مروه را با سنگ مفروش کرده اند و تنها قسمتی از کوه نمایان است و لازم نیست به قسمت بالای سرایشی برود، بلکه همین اندازه که به قسمت سربالایی برود و مقداری از آن را جزو سعی قرار دهد، کفایت می کند و احتیاط و دقت زیاد که پاشنه پای خود را به کوه برساند نه تنها لازم نیست بلکه ممکن است نامطلوب هم باشد.

﴿مسئله ۶۱﴾ اگر شخصی به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی به عقب برگردد و بدون توجه مجدداً همان مسافت را

طی کند، و یا گمان کند در محل هروله، واجب است که هروله کند و لذا برگردد و مقداری را که عادی طی کرده بود، با هروله تکرار کند به سعی او ضرری نمی‌زند، چون زیاده عمدیه نمی‌باشد، لیکن احتیاط در رها کردن آن سعی و از سرگرفتن آن مطلوب است.

﴿س ۶۲﴾ آیا در سعی موالات واجب است؟ و آیا می‌تواند سعی را قطع کند و از سر بگیرد؟

ج - موالات واجب نمی‌باشد، لیکن فاصله زیاد انداختن بین اشواط مطلوب نیست و قطع سعی و از سرگیری آن اشکال ندارد.

﴿س ۶۳﴾ در فتوای فقها استحباب سعی وارد نشده است، آیا سعی استحباب نفسی دارد یا نه؟ و در موردی که سهواً سعی را اضافه به‌جا آورد، فتوا به استحباب هفت شوط دوم داده‌اند. آیا از این مورد می‌توان استحباب سعی را استفاده کرد؟

ج - از بعضی روایات استحباب نفسی سعی استفاده می‌شود مثل آنچه صحیحاً روایت کرده محمد بن قیس از ابی جعفر علیه السلام قال: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله لرجل من الانصار إذا سعیت بین الصفا والمروة كان لك عند الله



اجر من حج ماشياً من بلاده»<sup>(۱)</sup>، پس در اینکه حضرت ثواب سعی را معادل با حج پیاده از شهرش برای سعی کننده قراردادده شهادت است براینکه سعی ثواب مستقلی دارد و الاً قراردادادن ثواب جزء معادل ثواب کل مناسب نبود.

﴿س ۶۴﴾ وظیفه افراد معذوری که نمی‌گذارند در طبقه اول

با چرخ سعی کنند چیست؟

ج - اگر مسیر بین صفا و مروه را چند طبقه کنند، سعی نمودن از هر طبقه برای تمام افراد اعم از معذور و غیر معذور جایز است، چون سعی بین صفا و مروه که مورد نص فتوی است صدق می‌کند. و لازم به ذکر است که جایز است شخص سواره - مثلاً با ویلچر - سعی کند، چه در حال اختیار و چه با عذر، لیکن پیاده سعی کردن، افضل است.

﴿مسئله ۶۵﴾ پس از فراغت از سعی لازم نیست فوراً تقصیر کند، بلکه می‌تواند آن را به تأخیر اندازد، کما اینکه می‌توان در منزل یا جای دیگر تقصیر نمود و اولی و احوط تقصیر در مروه

۱. وسائل الشیعة ۱۳: ۴۷۱، کتاب الحج، أبواب سعی، باب ۱، حدیث ۱۵.

است، ولی به هر حال باید پیش از احرام حج، تقصیر را انجام داد که احرام داخل در احرام نشود.

﴿مسئله ۶۶﴾ در تقصیر لازم نیست که انسان خودش تقصیر نماید، بلکه اگر دیگری هم گرچه غیر شیعه باشد و برایش تقصیر کند، و خودش نیت تقصیر و قصد قربت نماید، کفایت می‌کند.

﴿مسئله ۶۷﴾ خدمه کاروانها و یا افراد دیگر پس از انجام عمره تمتع می‌توانند بدون احرام حج، برای دیدن چادرها و کارهای دیگر از مکه خارج شوند و به منی و عرفات بروند، گرچه احتیاط مستحب در خارج شدن با احرام حج تمتع است، و ناگفته نماند که حتی بنا بر قول به عدم جواز خروج آنها بدون احرام برای حج، اگر بدون احرام رفتند به حجشان ضرری نمی‌زند.

﴿مسئله ۶۸﴾ در عرفات و مشعرالحرام برای مشخص کردن محدوده‌های آن علایمی نصب کرده‌اند که اعتماد به آنها جایز است، چون از روی حساب و شناخت و بررسی تعیین شده که اگر اعتماد و اطمینان به آنها، زیادتر از گفته مردم که در روایات، اکتفای به آن تجویز شده نباشد، کمتر نخواهد بود.

﴿مسئله ۶۹﴾ برای کسانی که معذورند جایز است مقداری از شب را در مشعرالحرام توقف کنند و سپس به منی کوچ کنند (مانند زنها و بیماران و پیر مردان و اشخاص ضعیف و اشخاصی

که برای پرستاری یا راهنمایی آنها لازم است همراه معذورین باشند)، لیکن احتیاط مستحب آن است که پیش از نصف شب حرکت نکنند، بنابراین، برای این اشخاص وقوف بین الطلوعین لازم نیست.

﴿مسئله ۷۰﴾ ترتیب در اعمال منی در روز عید یعنی تقدیم رمی جمره عقبه بر ذبح و تقدیم ذبح بر حلق یک امر مستحب است، بنابراین، می توان ذبح را حتی بر رمی جمره هم مقدم داشت چه رسد به حلق.

﴿مسئله ۷۱﴾ بیرون آمدن از احرام نسبت به محرمانی که در منی با حلق (یا تقصیر) محقق می شود، منوط و مشروط است به اتیان و انجام رمی و حلق (یا تقصیر)، پس هر زمان آن دو عمل انجام گرفت از احرام در آنجا خارج شده و می تواند مثلا لباس مخیط بپوشد، هر چند هنوز ذبح انجام نگرفته باشد. پس محل شدن در منی همان طور که ظاهر نصوص و عبارات اصحاب می باشد، مشروط به رمی و حلق (یا تقصیر) است نه مشروط به آنها و به ذبح، و ناگفته نماند که مسئله عدم وجوب ترتیب که در مسئله قبل بیان شد، غیر از مسئله محل شدن و اشتراطش به رمی و حلق است.

﴿مسئله ۷۲﴾ کسانی که عذر دارند از اینکه در روز رمی

کنند، مانند اشخاص بیمار، می‌توانند در شب رمی کنند، و هر وقت شب که باشد مانعی ندارد، و معذورین، مانند زنان و پیر مردان و کودکان و ضعیفان که شبانه از مشعر به منی کوچ داده شده‌اند نیز جایز است در شب عید، رمی جمره عقبه را انجام دهند.

﴿مسئله ۷۳﴾ در طبقات فوقانی جمرات، رمی جایز است و لازم نیست حتماً در طبقه اول رمی نمایند.

﴿مسئله ۷۴﴾ مراد از جمره آن بنای مخصوص است و واجب است که سنگها به جمره اصابت کند و اگر به آن جمره اصابت نکند، کفایت نمی‌کند.

﴿س ۷۵﴾ اگر جمرات یا یکی از آنها را تعمیر کنند به طوری که به قسمتی از جمره اضافاتی شده باشد، وظیفه حاجی چیست؟

ج - رمی بر آنها کفایت می‌کند و فرقی بین آن گونه اضافه‌ها و اضافه عمودی وجود ندارد، چرا که در روایات به خصوصیات علامت از جهت طول و عرض اشاره‌ای نشده، بنابراین، اصل براءت از خصوصیت و محدودیت علامت جاری و محکم است، بعلاوه از آنکه به نظر می‌رسد متفاهم عرفی به مناسبت حکم و

موضوع و خصوصیتی که در رمی معتبر شده، جمرات به عنوان مَرَمی و محل ضرب است و به منزله نشانه‌ای در رمی می‌باشد، مضافاً به آنکه یقیناً از زمان تشریح رمی تاکنون در آن نشانه‌ها که خوردن حصات و ریگها به آنها لازم بوده و هست تغییراتی از جهت اندازه در آنها ایجاد گردیده است، و هیچ ردع و منعی در روایات و عبارات اصحاب از آنها نشده است.

﴿مسئله ۷۶﴾ موالات در جمرات سه‌گانه معتبر نیست، یعنی مثلاً می‌تواند جمره اولی را در صبح رمی کند و جمره وسطی را در ظهر و جمره عقبه را قبل از غروب، ولی در رمی هر یک از جمرات موالات عرفیه لازم است.

﴿مسئله ۷۷﴾ اگر کسی از رفت و آمد تا محل رمی، ولو با ماشین در تمام وقت در روز معذور باشد و در شب هم امکان رمی برای او نباشد، باید کسی را نایب بگیرد تا رمی را به نیابت از او در روز انجام دهد.

﴿س ۷۸﴾ اگر کسی در روز عید نتواند قربانی کند و حلق یا تقصیر هم نکرده باشد، آیا می‌تواند در روز یازدهم با احرام رمی کند؟

ج - مانعی ندارد.

﴿مسئله ۷۹﴾ محلّ قربانی کردن در حال اختیار باید در منی باشد و در جای دیگر کفایت نمی‌کند، ولی در صورت عدم امکان ذبح در منی، و در صورت ضرورت، قربانی کردن در مسلخ جدید که امروزه به نام «مُعِصَم» نامیده می‌شود، مجزی است. بنابراین، قربانی کردن برای حج در شهرها و بلاد مجزی نیست و کفایت نمی‌کند.

﴿مسئله ۸۰﴾ واجب است قربانی در روز باشد، حتی کسانی که معذور بودند و شب از مشعر کوچک کرده‌اند و رمی جمرة عقبه را شبانه انجام داده‌اند، قربانی نمودن در شب حتی از آنها هم مجزی نمی‌باشد، چون ذبح در شب مورد نهی و کراهت مولوی است، «والعبادة لاتجتمع مع النهي والكراهة لما بينهما من التنافي و ماتری من صحة الصوم يوم عاشورا او الصلاة فی الحمام مثلا فانما تكون من جهة حمل النهي فی امثالهما مما تعلق بخصوص العبادة علی اقلية الثواب ارشادا جمعاً بین النهي المتعلق به و عبادته وهذا بخلاف مثل الذبح ممّا تعلق النهي به علی اطلاقه فلا یصحّ منه الذبح العبادي لما مرّ من عدم الاجتماع ولا وجه لحمل ذلك النهي علی الارشاد لعدم الاجتماع فی الثبوت كما لا یخفی فتدبر جيدا نعم تكون التضحیة لیلاً مجزیة للجاهل القاصر بالمسألة لانتفاء شرطیة النهار و مانعیة اللیل عنه

قضاءً لحديث الرفع و غيره من ادلة البرائة الشرعية».

﴿مسئله ۸۱﴾ لازم نیست خود انسان ذبح کند و جایز است شخص در قربانی به دیگری نیابت بدهد و نایب باید در موقع ذبح نیت کند، و اقوی آن است که خود شخص هم اگر هنگام ذبح در محل ذبح می‌باشد، نیز نیت نماید.

﴿مسئله ۸۲﴾ خروج از احرام نسبت به غیر از بوی خوش و زن ظاهراً به بیش از رمی و حلق - که مفصلاً در مسئله ۷۱ گذشت - نمی‌باشد، نتیجتاً محرم با انجام رمی و حلق از همه محرمات احرام - بجز بوی خوش و کامجویی از زن - خارج می‌شود.

﴿س ۸۳﴾ بعضی از محله‌های جدید مکه، در منی ساخته شده است. آیا در آنجا می‌توان قربانی نمود یا خیر؟

ج - اگر در منی است و منع قانونی ندارد، مانعی ندارد، ولی بدون احراز اینکه در منی است صحیح نیست، کما اینکه با منع قانونی هم، کفایت قربانی محل اشکال است.

﴿مسئله ۸۴﴾ کسی که سال اول حج او است و «صروره» می‌باشد، مخیر است بین حلق (سر تراشیدن) و تقصیر، ولی افضل این است که سر تراشیدن را اختیار کند.

﴿مسئله ۸۵﴾ احتیاط آن است که تقصیر و یا حلق در روز

عید باشد، اگرچه جواز در تأخیر آن تا آخر ایام تشریق<sup>(۱)</sup> بعید نیست، بلکه تا ایامی که غیر اعمال منی از اعمال حج را می‌توان به‌جا آورد و انجام حلق یا تقصیر در شب هم صحیح است و کفایت می‌کند.

﴿مسئله ۸۶﴾ شخص محرم نمی‌تواند قبل از اینکه خودش حلق و یا تقصیر کند، سر دیگری را تراشد و یا تقصیر نماید، چون ازاله موی دیگری قبل از خارج شدن از احرام جایز نیست، ولو برای تقصیر و حلق.

﴿مسئله ۸۷﴾ بر کسی که حج به‌جا می‌آورد، واجب است در منی بیتوته کند، «یعنی شب یازدهم و دوازدهم ماه ذی‌حجه را در منی بماند»، و بیتوته شب در منی نسبت به نیمه اول یا نیمه دوم شب واجب‌تخیری است لذا اگر کسی نیمه دوم را در منی بیتوته کند مجزی است. و اگر کسی در غیر منی از روی علم و عمد بیتوته نماید باید برای هر شب یک‌گوسفند به‌عنوان کفاره بدهد و در ضمن معصیت هم نموده است. و در ضمن نحوه محاسبه نیمه شب برای بیتوته در منی از غروب آفتاب تا طلوع فجر است.

۱. روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی‌حجه.



### «مسائل متفرقه»

﴿مسئله ۸۸﴾ اقامه نماز جماعت در مسجدالحرام و مسجدالنبی به حکم تقیة مداراتی مجزی است و باید سعی شود وحدت مسلمین و عظمت نماز جماعت حفظ شود، و در هنگام اقامه نماز مؤمنین از مسجدین خارج نشوند تا سبب انگشت نماگشتن و وهن مذهب نگردد.

﴿مسئله ۸۹﴾ در مسجدالنبی سجده روی فرشهای مسجد، به حکم تقیة مداراتی مجزی است و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخوانند و یا حصیر و مانند آن همراه خود ببرند هر چند همراه داشتن آن و یا سجده بر سنگها، اگر به گونه‌ای باشد که خلاف بین مسلمین نباشد و موجب وهن نگردد، مانعی ندارد و جایز است.

﴿مسئله ۹۰﴾ تخییر بین قصر و اتمام در تمام شهر مکه و مدینه جاری است و اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی ندارد.

﴿مسئله ۹۱﴾ با توجه به اینکه استتار قرص برای خواندن نماز مغرب کافی است، بنابراین، شرکت در نماز جماعت و

مراسم افطار اهل سنت صحیح است و کفایت می‌کند.  
﴿س ۹۲﴾ قرآنهایی که وقف مسجدالحرام یا مسجدالنبی و  
یا سایر مساجد می‌باشد، آیا حجاج و زائران می‌توانند آنها را  
جهت خواندن در منزل یا هتل به همراه خود بیاورند؟  
ج - جایز نیست.

﴿مسئله ۹۳﴾ برداشتن مقداری سنگ از کوه صفا و مروه،  
ولو فوق‌العاده هم کم باشد، جایز نیست و حرام است و آن دو  
کوه را خداوند جزء شعائر قرارداده، پس هرگونه تصرفی در  
آنها - غیر از اعمال عبادی و نشستن و تکیه دادن به آنها که  
معمول و مرسوم بوده و ضرری هم به آنها نمی‌زده - حرام است  
و تصرف در شعائرالله است.

﴿مسئله ۹۴﴾ چون ازاله عین نجاست از امثال سنگ و اجسام  
صیقلی از مطهرات است، بنابراین، تطهیر در مثل مسجدالحرام  
که سنگ فرش است با فرض یقین به نجس شدن آن، با وضع  
فعلی که با ریختن مختصر مایع، عین نجاست را زائل می‌نمایند،  
بعد از آنکه خشک شد و رطوبت مسریه‌اش از بین رفت،  
محکوم به طهارت است و پاک می‌باشد. کما اینکه اگر قبل از  
ریختن مایع عین نجاست زائل شده باشد، به محض زوال  
محکوم به طهارت است.

﴿مسئله ۹۵﴾ وضو گرفتن از ظروفی که مخصوص آشامیدن (در مسجد الحرام و مسجد النبی) می باشد، جایز نیست و صحیح نمی باشد و وضو با آنها باطل است.

﴿مسئله ۹۶﴾ تحیت مسجد الحرام همان طور که شهید اول علیه السلام <sup>(۱)</sup> فرموده اند، طواف خانه خدا می باشد.

﴿مسئله ۹۷﴾ مسافر می تواند برای خواستن حاجت سه روز در مدینه طیبه روزه بگیرد، اگرچه روزه قضا بر عهده او باشد و نمی تواند نیت روزه قضا کند، و بنا بر احتیاط واجب، روزهای چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه باشد.

﴿مسئله ۹۸﴾ نماز طواف مستحبی حکم بقیة نمازهای مستحبی را ندارد و حتی نشسته هم نمی توان خواند و باید در مسجد خوانده شود.

﴿مسئله ۹۹﴾ گاهی در مسجد الحرام و مسجد النبی کفشهای انسان گم می شود، ولی در بیرون از مسجد یا در کنار حجر اسماعیل علیه السلام کفشهای فراوان روی هم ریخته می شود که اگر یقین شود که صاحبان آن کفشها راضی و از آنها اعراض کرده اند، برداشتن آنها اشکال ندارد.

﴿س ۱۰۰﴾ کسانی که بنا بر فتوای جناب عالی بر تقلید از مجتهد میّت باقی مانده‌اند:

۱. آیا جواز بقا مختص به مسائل عمل کرده می باشد، یا در مسائلی که عمل هم نکرده باشند، بقا جایز می باشد؟  
۲. آیا مسائل عمل کرده را می توانند به جناب عالی رجوع کنند؟

ج ۱ - بقای بر تقلید از میّت هر چند در مسائلی که به آن عمل نکرده، همانند مسائلی که به آن عمل نموده، جایز می باشد.

ج ۲ - چون بقا مطلقاً جایز است، پس رجوع هم مطلقاً، حتی در مسائلی که عمل کرده‌اند، جایز است.

﴿س ۱۰۱﴾ حکم اعمال کسی که بدون اجازه از مرجع زنده، بر تقلید از میّت باقی است، چیست؟

ج - اگر مرجع تقلیدی را که بعد از توجه و التفات انتخاب می نماید فتوای او جواز بقاست، اعمال گذشته اش صحیح است، چون اعمالش مطابق با حجت بوده هر چند به آن حجت توجه نداشته.

﴿س ۱۰۲﴾ برخی از زائران حرمین شریفین اظهار می دارند که فلان مبلغ را به ما داده‌اند تا در حرم مطهر نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا قبور

مطهر ائمه بقیع علیهم السلام بریزیم، با توجه به اینکه ریختن پول و جواهرات در آن محلها غیر ممکن است، یا صرف در حرم، یا در مصرف مقرر خود نخواهد شد و حاضر نیستند این هدایا را با خود برگردانند، آیا می توان آنها را در راه خیر، مثل کمک به فقرای شیعه صرف کرد؟

ج - می توانند به فقرای زائر یا فقرای شیعه که در آنجا هستند بدهند.

﴿مسئله ۱۰۳﴾ رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی و توقف در سایر مساجد برای زن مستحاضه در صورتی که غسلهای واجب خود را انجام داده باشد، مانعی ندارد و بنا بر احتیاط واجب، زن حائض و نفساء نباید در حرم امامان علیهم السلام توقف کند ولی رفتن آنها کنار دیوار بقیع برای زیارت مانعی ندارد.

﴿مسئله ۱۰۴﴾ پولی که برای حج واجب واریز می کنند، چنانچه از درآمد همان سال ثبت نام کرده باشند، خمس ندارد، هر چند سالهای بعد نوبتشان بشود، اما اگر پول واریز شده متعلق خمس بوده مثل اینکه از سرمایه غیر مخمس شده برداشته اند یا از پولی که سال بر آن گذشته سپس واریز کرده اند، باید خمس آن را بدهند هر چند در همان سال ثبت نام به حج مشرف شوند.

﴿س ۱۰۵﴾ کسی که قادر بر سجده معمول نیست، و در

مسجدالحرام و مسجدالنبی نماز می خواند با توجه به این که نمی تواند مهر یا چیز دیگری به پیشانی بگذارد چگونه باید سجده کند؟

ج - در این مورد با اشاره سجده کند.

﴿س ۱۰۶﴾ در نماز جماعت مسجدالحرام اتصال صفوف بر قرار نیست، ۱- آیا شیعیان باید اتصال صفوف را مراعات کنند و یا همان مقدار که آنان نماز را صحیح می دانند کافی است مخصوصاً این که امکان اتصال نماز بانوان در بعضی مواقع وجود ندارد؟ ۲- آیا خواندن نماز در مسجدالحرام به نحو استداره به طوری که رو در روی امام جماعت و یا در طرفین او ایستاده باشد صحیح است؟

ج ۱ - همانطور که نماز را آنها صحیح می دانند و به آن گونه نماز بخواند کفایت می کند.

ج ۲ - نمازش مجزی است.

﴿س ۱۰۷﴾ فاصله بین مکه و عرفات که قبلاً چهار فرسخ بوده امروزه با توجه به توسعه مکه و اتصال شهر به منی، کمتر از مسافت شرعی است، در این صورت، کسی که قصد اقامه ده روز در مکه را نموده و سپس به عرفات و مشعر و منی می رود و چهار شب یا بیشتر در آنجا بیتوته می کند نماز او در عرفات و

مشعر و منی و پس از مراجعت به مکه قصر است یا تمام؟  
ج- در صورتیکه شخصی بعد از قصد و اقامت ده روز  
به عرفات برود و یا اینکه قصد اقامت ده روز در مکه  
نمود و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از اقامت  
در مکه منصرف شد و به عرفات رفت نمازهای او در  
عرفات و مشعر و منی و در رفتن و برگشتن تمام است.  
﴿مسئله ۱۰۸﴾ کسی که می خواهد از مدینه با نذر محرم  
شود صیغۀ نذر این است که بگوید: «اللَّهُ عَلَيَّ أَنْ أُحْرِمَ  
مِنَ الْمَدِينَةِ». یا به فارسی بگوید: «برای خدا بر من است  
که از مدینه محرم شوم».

﴿س ۱۰۹﴾ گاهی اوقات امام جماعت اهل سنت در نماز  
صبح روز جمعه یا روزهای دیگر آیات سوره های  
سجده دار<sup>(۱)</sup> را می خواند و نماز گزاران در اثنای قرائت مانند  
اهل سنت به سجده می روند و بر می خیزند، در این صورت  
تکلیف چیست؟ و نیز اگر اشتهاً و بخیال اینکه امام جماعت به  
رکوع رفته رکوع نماید و بعد متوجه شود که رکوعش زیاده و

۱. سوره های سجده دار عبارت اند از: ۱- سوره سی و دوم (سجده)، ۲- سوره  
چهل و یکم (فصلت)، ۳- سوره پنجاه و سوم (نجم)، ۴- سوره نود و ششم  
(علق).

امام جماعت در آن وقت به سجده رفته بوده تکلیف نمازش چیست؟

ج - با توجه به اینکه زیادی یک سجده از راه جهل به مسأله (که ظاهراً هم همان مورد سؤال است) و یا از راه تبعیت، مضرّ به صحّت و درست بودن نماز نمی باشد، نمازش صحیح است و اعاده و قضا ندارد. آری زیاده دو سجده در یک رکعت موجب بطلان می باشد. و ناگفته نماند که حکم اولی شنیدن آیه سجده با قطع نظر از مسأله متابعت در صورت استماع باید ایماء سجده کند و بعد از نماز، سجده را اعاده نماید، و زیادی رکوع در فرض سؤال مضرّ به نماز نمی باشد و نماز وی صحیح است.

﴿س ۱۱۰﴾ افرادی که به مکه یا مدینه مسافرت می کنند اگر قصد ماندن ده روز را ندارند، آیا می توانند نوافل نمازهای یومیّه را بخوانند؟

ج - نمی توانند، چون تخییر در نماز ظهر و عصر و عشا در اماکن تخییر، یک حکم اختصاصی نسبت به خود آنهاست نه نسبت به نوافل آنها.